

مقدمه ای بر مبانی و اصول برنامه ریزی

مؤلف:

محمد رضا قادری

سرشناسه	: قادری، محمدرضا، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: مقدمه‌ای بر مبانی و اصول برنامه‌ریزی / مؤلف محمدرضا قادری.
مشخصات نشر	: سمنان: دانشگاه سمنان، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۷۶۰ ص.: جدول، نمودار.
شابک	: 978-964-7978-71-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۷۵۷ - ۷۶۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	: سیاست اقتصادی.
موضوع	: برنامه‌ریزی.
موضوع	: ایران -- سیاست اقتصادی.
شناسه افزوده	: دانشگاه سمنان.
رده بندی کنگره	: HD ۸۷/۵۱ م ۷۱۳۸۷ ق ۲
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۶۵۳۶۰۷

عنوان کتاب: مقدمه‌ای بر مبانی و اصول برنامه‌ریزی

مؤلف: محمد رضا قادری

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۷

چاپ: نفیس

تیراژ: ۲۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-964-7978-71-2

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات دانشگاه سمنان می باشد

تلفن انتشارات: ۰۲۳۱-۳۳۲۰۲۹۵

به نام ناظم هستی

هر جامعه ای را آفت هایی است چنان که افراد را هم آفت هایی تهدید می کند و این مقوله ایست که هرچند ناخوشایند است لیکن طبیعی می نماید. از جمله آفات مبتلا به جامعه در حال تحول، آن است که عمدتاً به شدت دچار افراط و تفریط است، یا امری را می پسندد و از آن حمایت و تبعیت می کند و یا وضعی را نمی پذیرد و همه ی آن را مردودی شمارد. نتیجه ی این سیاه و سفید دیدن آن است که تجارب مفید و سازنده و ماندگار که ممکن است از بطن برخی پدیده های نه چندان قابل دفاع هم استنباط شوند بخاطر مورد عنایت قرار نگرفتن از کف می روند و جامعه از بهره مندی، از تجربه علمی و عملی دیگران محروم می گردد.

بنظر می رسد برنامه " و برنامه ریزی اقتصادی از جمله اموری است که مشمول این افراط و تفریط شده و بخصوص بعد از فروپاشی نظام سیاسی کشورهای سوسیالیستی سابق به آنچنان انزوای عمیقی محکوم شده است که، حتی قدر و منزلت نظام های برنامه ای مبتنی بر سیاستگزاری های ارشادی و مقرراتی هم در قیاس با بسته خودشان دانسته نمی شوند و این در حالی است که جوامع بسیاری از جمله ایران اسلامی ما برای برآمدن، اوج گرفتن، سایه گستردن و تمدن سازی مجدد بشدت نیازمند جستجوی روش های "صیوروت" از مراحل توسعه نیافته فعلی به مراتب تکاملی آتی است. یعنی آنچه که عمدتاً رسالت پرداختن به آن بر تفکر برنامه ای و اجرای برنامه ای، محاسبه برنامه ای، نهایتاً مراقبت برنامه ای مبتنی و برقرار است.

خوشبختانه علیرغم شرایط اشاره شده در بالاتر تولید ادبیات توسعه و برنامه ریزی توسعه و ترویج و عملیاتی شدن آن هنوز هم از جایگاه مناسبی برخوردار است و هر آرز چندی مقاله ای، کتابی و یا بیانی، پاسخگوی بخشی از نیاز جامعه به مفاهیم و روش ها و تجارب و تکنیک های برنامه ریزی می شود و قسمتی از آن آفت افراط و تفریط در برنامه ریزی را کاهش داده و برانبارۀ دانش انسان جستجوگر امروز می افزاید.

کتاب "اصول و مبانی برنامه ریزی" تلاشی از جنسی ضرورت پرداختن به تولید ادبیاتی است که اگر از توقف تولید آن نگوئیم حداقل می توانیم از کاهش تولید آن بگوئیم و بدیهی است در چنین فضایی تالیف کتابی در این عرصه، خود فی نفسه اقدامی شایسته توجه و درخور عنایت است. مولف محترم در کار طولانی و طاقت فرسای خود به نوعی دایرة المعارف مختصری از ادبیات برنامه ریزی توسعه اقتصادی را سروسامان داده اند و بنحوی که نیاز بسیاری را برای رجوع به موضوعات مختلف برنامه ریزی در یک مجموعه پاسخگوئی کرده اند. هرچند نمی توان زیبایی این اهتمام علمی را در پر توکل و نوشتار چنانچه شایسته آن است مطرح و تبیین کرد لیکن دوستداری "حقیقت" حکم می کند که برای مولف محترم جناب آقای محمدرضا قادری آرزوی توفیق بیشتر در ترویج کتب علمی متناسب با اوضاع اقتصادی اجتماعی ایران نمایم چرا که ایشان بخاطر برخورداری از دانش نظری و تجارب علمی می توانند به این آرزوی جامه ی تحقق ببوشانند.

دکتر حسن سبحانی

تهران - دوم آذر ماه هشتاد و هفت

پیشگفتار:

ای که با نامت جهان آغاز شد
دفتر ما هم به عشقت باز شد

«جوهر مدیریت برنامه ریزی است ، جوهر برنامه ریزی هدف گذاری و جوهر هدف گذاری شناخت است».

«اگر برای یک سال برنامه ریزی می کنید غله بکارید، اگر برای ده سال برنامه ریزی می کنید درخت بکارید و اگر برای صدها سال برنامه ریزی می کنید انسان تربیت کنید».

«کوان تسو فیلسوف چینی»

برنامه ریزی در هر زمینه ای جزء لاینفک واجتناب ناپذیر زندگی بشری بوده و محصولی از اندیشه ، هنر و خردورزی انسان به شمار می آید.

بی شک غایت اصلی تمام برنامه ریزی ها صرف نظر از ماهیت و موضوع آن ها رسیدن به توسعه ی پایدار، توازن و تعادل منطقه ای، توزیع مناسب فعالیت ها و استفاده حداکثر از توان ها و قابلیت های محیطی در فرآیند توسعه مناطق است. اگر توسعه را مجموعه ی اهداف ایده آل و آرمانی یک جامعه برای دستیابی به زندگی مطلوبتر که تنها هدفش رشد GNP نباشد بدانیم، برنامه ریزی بستریاراه رسیدن به این اهداف آرمانی است. به عبارتی بهتر برنامه ریزی، فرآیندی است برای دستیابی سریعتر و آسانتر به اهداف توسعه، که در آن هم مسیر و هم مراحل رسیدن به هدف و هم نحوه ی دستیابی به آن تعیین می شود.

اقتصاد دانان کلاسیک با طر فرداری از اصل عدم مداخله ی دولت در اقتصاد و اعتقاد به حاکمیت دستهای نامرئی برای ایجاد تعادل در هنگام لزوم برای برنامه ریزی نقشی قابل نبودند. در اقتصادهای متکی بر تفکر مارکسیستی برنامه ریزی عمدتاً به صورت متمرکز و توسط دولت انجام می گیرد و در مکتب "کینزی" که حالتی بین دو تفکر پیش گفته است دولت در اقتصاد نقش اخباری و ارشادی موثری دارد و برای از بین بردن عدم تعادل ها مستقیماً دخالت می کند.

پس از جنگ جهانی دوم اغلب کشورهای جهان خصوصاً کشورهای کمتر توسعه یافته، الگوهای متعددی را برای رسیدن هر چه سریعتر به رشد و توسعه اقتصادی دنبال نمودند و هر کشوری بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی و

اجتماعی خاص خودگمشته اش را در یکی از این الگوها یافت و بسوی آن شتافت. اما دیری نگذشت که این کشورها دریافتند رسیدن به توسعه ی اقتصادی آنچنان که در سال های بعد از جنگ جهانی دوم مطرح بود یک امر ساده و سهلی نیست. استراتژی های انتخابی در جهان سوم اکثر آنه تنها آن کشورها را در رسیدن به هدف یاری نکرد بلکه تبدیل به یکی از موانع توسعه اقتصادی آنها نیز گردید. بر همین اساس و بدنبال ارائه راهکاری برای خروج از بن بست و دور و اماندگی، توسعه نیافته گی در نیمه دوم قرن بیستم، تغییرات بنیادینی در کشورهای جهان در زمینه ی روند توسعه، ساختار داخلی و طبیعت جوامع، روابط بین آنها و کیفیت مناسبات جهانی رخ داد. در این دوره و در چنین شرایطی برنامه ریزی و توسعه به شیوه ای متفاوت در کشورهای جهان تعقیب گردید که کشورمان نیز از این امر مستثنی نبود.

در ایران لزوم برنامه ریزی توسعه اقتصادی و اندیشه برنامه ریزی و اداره ی کشور بر اساس یک برنامه مدون به دهه ۱۳۱۰ بر می گردد و در نتیجه یک سابقه ۷۰ ساله در کشور ما دارد. از آن زمان تا به امروز بخشی از حیات اجتماعی ملت ما تحت تاثیر این اندیشه و آثار مترتب بر آن قرار گرفته است و منجر به شکل گیری یک تجربه ی ارزشمند تاریخی در کشور ما گشته است. تنظیم ۶ برنامه و اجرای ۵ برنامه در سال های قبل از انقلاب (۱۳۵۶-۱۳۲۷) و تنظیم ۴ برنامه پنج ساله بعد از انقلاب و اجرای ۳ برنامه، مسلماً گنجینه باارزشی از تجربیات تلخ و شیرین در خصوص برنامه ریزی و اجرای برنامه را در اختیار ما می دهد که می تواند به مثابه چراغی برای روشن ساختن راه آینده حرکت، بکار گرفته شود. در طول ۷۰ سال گذشته که از اجرای برنامه هادر کشوری گذرد، شاهد فرازونشیب های زیادی بوده ایم و طعم شکستها و پیروزی های گوناگونی را چشیده ایم که مسلماً نباید طعم تلخ کامی ها و مصائبی را که بر سر ملت ما آمده و نیز همه شادکامی ها و موفقیت هایی را که حاصل گشته است ناشی از درستی یا نادرستی برنامه ها و توفیق یا عدم توفیق در اجرای آنها بدانیم تجربه ۷۰ ساله ی برنامه ریزی در ایران نشانگر این واقعیت است که عملکرد مجموعه ی اقتصادی کشور با اهداف برنامه های تنظیم شده تا حدود زیادی متفاوت بوده است که توجه به این عامل شکست برنامه ریزی می تواند در عدم تکرار تجربیات گذشته و آزمودن آزموده ها مفید واقع شود.

بر این اساس تاثیر برنامه ریزی و برنامه ریزان در حیات اجتماعی ملت ما، در چند دهه ی اخیر باید در همان چارچوب و محدوده نقشی که واقعا داشته است مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد و از بزرگ نمایی که خود آفت بهره گیری درست و علمی از تجربیات تاریخی است اجتناب کرد و نباید همه ی کامیابی ها و نا کامی ها را به این امر منتسب نمود. بررسی مجموعه عوامل مارتبه موضوع مهمی در برنامه ریزی توسعه رهنمون می دارد و آن اینکه، برنامه ریزی توسعه در کشور ما برخلاف بسیاری از کشورها صرفاً یک برنامه ی بهینه سازی با محدودیت های ثابت (ویا به عبارت دیگر بهینه سازی با قبول نهاد ها و چارچوب های موجود) نیست، بلکه خود برنامه باید تغییر هم زمان محدودیت ها را نیز مدنظر قرار دهد تا و لا میزان تاثیر گذاری برنامه و ثانیاً امکان تحقق اهداف آن افزایش یابد.

سوالاتی همیشه در طول سالیان برنامه ریزی در کشور مطرح بوده از این قبیل که واقعا تعریف برنامه چیست و فرایند کدام است؟ برنامه ریزی چه فرایندی است؟ تفاوت آنها در کجا است؟ و نتایج آن ها چگونه است؟ و کدام تحول داخلی، جهانی و یا تظور فن شناختی ما را به سوی گونه تازه ای از ساماندهی اقتصادی و اجتماعی رهنمون می دارد؟ آیا زمان آن نرسیده است که برای گذر از نظام "برنامه ریزی مرسوم"، برنامه ریزی کنیم؟ این تناقض ها را چگونه باید حل کرد که "برنامه ریزی کنیم تا از برنامه ریزی عبور کنیم"؟

فقدان منبع مشخص و گردآوری شده ای برای پاسخ به سؤالاتی از این دست، ضرورت نگارش و جمع آوری این مجموعه را در زمینه ی برنامه ریزی و در نظر گرفتن ابعاد تنویریکی و تکنیکی آن را برای اینجانب مسجل نمود. بین رشته ای بودن این موضوع مهم و عدم وجود بستری مناسب در زمینه ی برنامه ریزی و توسعه منطقه ای نویسنده را در سازماندهی منطقی مطالب با مشکلاتی مواجه کرد که در بدو امر از این مهم از تمامی خوانندگان سعه صدر و بخشش را می طلبد. اما علیرغم این مشکلات، بکارگیری وسیع منابع و تالیفات موجود و متعدد تا حدودی این امکان را فراهم ساخت تا در حد بضاعت سازماندهی قابل قبولی برای تنظیم مطالب نظری و عملی ارائه شود. کتاب حاضر نه تنها برای استفاده دانشجویان کارشناسی و بویژه کارشناسی ارشد رشته های مختلف نظیر برنامه ریزی شهری و منطقه ای، جغرافیا، علوم اجتماعی، توسعه ی روستایی، اقتصاد، برنامه ریزی توسعه و... تهیه گردیده است، بلکه مطالب و تکنیکهای مطرح شده در آن به دلیل کاربردی بودن آنها، ابزاری مفید برای کارشناسان و برنامه ریزان وزارتخانه ها، سازمانها و ادارات مختلف خواهد بود.

در این مجموعه گردآوری شده تلاش بر این است که مسائل و مشکلات و محدودیت های اصلی توسعه ی کشور را که دغدغه های فکری بسیاری و شاید همه ماراتشکیل می دهد دسته بندی شده و در حدامکان چارچوب های مشخص ارائه شده را از سوی علما، صاحب نظران و اساتید فن برای حل این مشکلات ارایه نماید. به عبارتی هدف از تهیه این مجموعه این است که اطلاعات و مبانی پایه در اختیار دانشجویان، کارشناسان و مدیران قرار گیرد تا در مراحل فرایند برنامه ریزی کشور مورد استفاده و امعان نظر قرار گیرد.

این کتاب بایک مقدمه شروع شده است؛ در فصل اول و دوم به تعریف برخی مفاهیم برنامه و برنامه ریزی پرداخته، فصل سوم کتاب به "مروری به سابقه برنامه ریزی در ایران" اختصاص یافته است. در فصل چهارم به بررسی ابعاد و سابقه مقوله توسعه با توجه به اهمیت آن پرداخته شده، در فصل پنجم موضوع آمایش سرزمین و در فصل ششم کتاب شرح و بسط مبانی نظری و تحلیل سیاست توسعه و روش های برنامه ریزی کمی با استفاده از تحلیل مدل های برنامه ریزی مدنظر قرار گرفته است.

بی تردید لازمه یک حرکت اصولی توجه به آرمان ها و ایده آل هادر کنار محدودیت ها و تنگناهاست. نگاه به آینده و ارزیابی شرایط، نگاهی است که مجموعه شرایط داخلی و خارجی و همچنین تصویری اجمالی از شرایط جهانی را پیش روی ما قرار می دهد. غرض اصلی از تقریر مجموعه ی حاضر، این است که بر غنای ادبیات برنامه ریزی کشور بیفزاید و به صاحب نظران برای بررسی های عمیق تریاری رساند. این مجموعه با تمامی تلاشی که در راستای تحقق اصل یاد شده صورت گرفته قطعاً دارای کاستی ها و نقایصی است که این مهم را به دیده تیزبین و عمیق تمام خوانندگان بزرگوار می سپارم تا با راهنمودها و یادآوری نکته هاضعف های این مجموعه را بر طرف نمایم. از منظر اینجانب هراتر موفقیتی از تباطی دوسویه دارد. فرستنده که پیام خود را ارسال کرده و گیرنده که پیام را تعبیر می کند و اگر کاستی در آن یافت در قالب پیام به فرستنده باز می گرداند تا آن را اصلاح کند. امید که چنین باشد.

اینک که این مهم به سرانجام رسیده بزودی میهمان دیدگان مبارک شما قرار می گیرد بر خود لازم می دانم تا از همپایی، همراهی و همدلی عزیزانی که در این راه همگام و راهنمای من بودند قدردانی نمایم. بی تردید اگر دقت نظر و راهنمودهای این عزیزان نبود این گام به سرانجام نمی رسید؛ پس بر من فرض و واجب است که از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر حسن سبحانی - جناب آقای دکتر حبیب الله دانایی مدیر کل محترم سابق

دفتر تدوین منابع علمی و کتابخانه موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی و نیز رهنمودهای اساتید محترم جناب آقای دکتر بایزید مردوخ - جناب آقای دکتر غلامعلی فرجادی - جناب آقای دکتر شعبانی و جناب آقای دکتر صادقی که متن اولیه را با حوصله مطالعه و نکات ارزنده و رهنمودهای داعیانه را ارائه و متذکر شده اند سپاسگزاری نمایم همچنین از زحمات سرکار خانم میترا کسایی که متن اولیه را با حوصله و دقت نظرویرایش و بازخوانی نمودند نیز کمال امتنان را دارم؛ باشد که ذکاتی که پرداخته اند اجرش را ایزدمنان بپردازد. اینجانب نیز بدین وسیله مراتب سپاس خود را از همه اساتید تقدیم می دارم و نامشان را به نیکی در یاد خواهم سپرد. امید اینکه چون گذشته همیشه همراه و یاور باشند.

محمد رضا قادری

مقدمه مولف :

برنامه ریزی از زمانی به وجود آمد که انسان قدرت فکر کردن برای آینده را کسب کرده برنامه ریزی، آینده را در نظر گرفته و با توجه به وضعیت و شرایط آینده تنظیم می شود. برنامه ریزی، برای طراحی وضعیت مطلوب آینده است که با استفاده از تجارب و دانسته های گذشته، امکانات، فرصت ها و محدودیت ها، و تحولات و تغییرات آینده را طرح ریزی می نماید. پس گزافه نیست اگر ادعا شود برنامه و برنامه ریزی عمری به درازی تاریخ بشریت دارد.

برنامه ریزی از هنگام پیدایش بشر تا کنون تغییرات زیادی داشته است. بگونه ای که در زمان های گذشته، برنامه ریزی وسیله ساده ای بود که افراد و گروه های کوچک از آن در جهت تامین نیازهای عادی و فراهم ساختن امکانات زندگی بهتر استفاده می نمودند، لیکن هنگامی که جوامع و سازمان ها توسعه یافتند، برنامه ریزی به صورت یکی از تدابیر اساسی و ابزار مدیریت درآمد.

باید توجه داشت که سود هنگفت حاصل از برنامه ریزی تنها در دوره ی اخیر حاصل شده است. مدیران کشف کرده اند که بدون برنامه ریزی، اشتباهات آنان افزایش یافته و بدون آن قادر به پیش بینی صحیح احتیاجات و نیازهای خود نخواهند بود. امروز صاحب نظران تا آنجا پیش رفته اند که صراحتاً اذعان می دارند همان طوری که تکنولوژی، انقلابی در صنعت به وجود آورده، برنامه ریزی هم انقلابی در مدیریت ایجاد کرده است.

برنامه ریزی یکی از مهمترین بخش های وظایف مدیریت کلان می باشد که انجام گرفتن و اجرای آن باید با توجه به بقیه وظیفه های مدیریت، هدایت، نظارت و کنترل صورت بگیرد. برنامه ریزی، هنگامی که توسط افراد ضعیف انجام می شود، به یک آداب نامناسبی تبدیل می گردد که تنها نگرش کوتاه مدت بسنده می کند و به آینده ای که برای آن مورد استفاده قرار گرفته است، توجه نمی نماید.

نیاز برای برنامه ریزی و رسیدن به هدف آنقدر بدیهی است که مشکل می توان کسی را یافت که خلاف این دیدگاه را ارایه کند و به آن اعتقادی نداشته باشد. اما این مهم زمانی صعب می نماید که باید بتوان با فن و تکنیک و کشف و شهود برنامه ای را ارایه کرد که کارکردگرا باشد. اصل اساسی این است که برنامه ریزی به صورت مفید عرضه شود. برنامه ریزی پیچیده ترین و مشکل ترین فعالیت های فکری است که انسان را به خود مشغول می کند. یک جنبه ی مهم از انقلاب مدیریت در طول چهار دهه گذشته، دست آوردهایی است که در اثر برنامه ریزی در تمامی زمینه هایی مدیریت به وجود آمده است؛ از جمله در زمینه های دولتی، تجاری، آموزشی، فرهنگی و... هر قدر محیطی که مدیران با آن سروکار دارند، بزرگ تر و پیچیده تر باشد، برنامه ریزی امری ضروری تر خواهد بود. در محیطی بزرگ و پیر تحرک که دارای وظایف متعدد و عملیات پیچیده است، برنامه ریزی، منابع محدود و انتظارات نامحدود سازمان را چنان تلفیق کرده که از سویی به هدف نائل شود و از سوی دیگر، سازمان از چنان قابلیت انعطافی برخوردار باشد که بتواند خود را با دگرگونی های مختلف دگرگون سازد.

در چند سال پیش مک کی (Mackaye) و شیلدر (Shields) (شرکت اقتصادی مشورتی) مطرح ساختند که توسعه برنامه ریزی تجاری در واقع همچون انقلاب تکنولوژیک، یک انقلاب بوده و به عبارت دیگر، تحولی در زمینه مخارج و درآمدها به وجود آمده است.

در زمینه های اقتصادی، تکنولوژیک، اجتماعی و نیز سیاسی برنامه ریزی مانند سایر وظایف مدیریت از شروط لازم است که برای بقای مدیریت وجودش ضروری است. در زمینه اقتصادی برنامه ریزی است که خطرات را به حداقل رسانده و از فرصت ها حداکثر استفاده را می نماید.

با وجود تمام علاقه ای که نسبت به برنامه ریزی وجود دارد و احساسی که در مورد ضرورتش هست، این خطر احساس می شود که برنامه ریزی به صورت یک امر پرهزینه و بی حاصل که در تمام زمینه ها مفید نیست، تبدیل شود. برای یک برنامه ریزی خوب باید برنامه ای طرح گردد که بتواند موفق باشد و پس از آن مجدداً باید برنامه ریزی کرد.

برنامه ریزی، اولین قدم در هر سازمان است. امروزه برنامه ریزی به صورت یکی از تدابیر اساسی و ابزار مدیریت درآمده و اغلب مدیران، برنامه ریزی را وسیله ای بویا تلقی می نمایند؛ و معتقدند که آن، ابزاری جهت تکامل و رسیدن به هدف است و سازمان جهت مواجه شدن با آینده متغیر و تعیین هدف های آینده، نیازمند برنامه ریزی و ایجاد تغییرات و تحولات مطلوب در ترکیب و روش راه حل و رسم عملیات خودش می باشد.

لوتر گولیک (Luther Gulick) در وظایف هفت گانه ی مدیریت خود که شامل برنامه ریزی، سازماندهی، کارگزینی، رهبری، هدایت، هماهنگی، گزارش و بودجه بندی است، برنامه ریزی را مهمترین وظیفه مدیران می داند. به نظر "دایموک" (Dimock)، برنامه ریزی، طرحی برای یک آینده مطلوب و راههای موثر و وصول به آن می باشد. میلیت* (Millett) می گوید: برنامه ریزی، فرآیندی از تعیین اهداف یک سازمان و ابداع شیوه های مناسب در جهت رسیدن به آن اهداف است.

رسیدن به قله ی توسعه ی ملی پایدار، یکی از مهمترین دغدغه های برنامه ریزان کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است. چرا که در عصر حاضر خواسته و ناخواسته مادر چالش با اقتصاد، سرمایه داران و هجوم فرهنگی هستیم که تلاش می کنند اقتصاد جوامع ضعیف تر را منهدم نموده و فرهنگ آنها را در فرهنگ ارایه شده خود هضم کنند و هویت انسانهارا لینه نماید. این فرآیند صعب نتیجه زیست در هزاره سوم است.

برنامه ریزی بین جایی که هستیم و جایی که می خواهیم بدان برسیم، پلی می سازد. برنامه ریزی، یک فرآیند خردمندانه است، یعنی قبل از اینکه فعالیتی را انجام دهیم، تصمیم می گیریم که چه بکنیم؟ و خلاصه این که برنامه ریزی، تصویر روشنی از هدف ابزار مورد نیاز، نوع فعالیت و روش های مناسب جهت رسیدن به هدف است.

برنامه ریزان جوامع استعماری با دقت و وسواسی بسیار زیاد و با کلان نگری و آگاهی چنان برنامه ریزی کرده اند که اگر ماهوشیار نباشیم در این هجوم آگاهانه ی رقیب، هضم خواهیم شد.

در این مجموعه، بانگاهی نقادانه به برنامه های اول، دوم و تاحدودی برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب درمی یابیم که این برنامه ها فاقد برنامه عملیاتی برای اجرای رهنمودها و سیاست های کلی بوده اند. فقدان یک مکانیسم درونی در برنامه های یاد شده برای اصلاح خود به وضوح در این برنامه به چشم می خورد. همچنین فقدان انعطاف پذیری کافی برای آینده مطلوب را نداشتند. این تراژدی که در کشور ما دائماً تکرار می گردد و جزو سنت برنامه ریزی ما گردیده، با فرآیند فوق این نتیجه بازگویی شود که روش برنامه ریزی با خصوصیات و ویژگی های فعلی، پیش رو متحول نیست. برنامه ریزی نیاز به فن معماری اندیشه بر اساس مصالح دانش دارد که این مهم کاری است مستمر برنامه ریزی نیاز به سیاهی لشکر ندارد به دست زبده آموختگان فن طراحی باید شود، کیفیت آن در ورزش علمی قوام می گیرد، و عملکردش از جدل کارشناسی ارتقاء می یابد. پس باید متحول شود و گرنه شب نگر در روشن از اسم چراغ.

به عبارتی دیگر برنامه ها در کشور ما یک برنامه ی عمرانی و شاید تاحدودی برنامه توسعه اقتصادی صرف بوده اند، واز همین رهگذری توان به خوبی دریافت که چرا پس از ۷۰ سال برنامه ریزی علیرغم تمامی تحولات صنعتی، اقتصادی و اجتماعی که تاکنون در کشور ما اتفاق افتاده تاکنون نتوانسته ایم نام خود را در فهرست کشورهای توسعه یافته قرار دهیم.

در حالی که یک برنامه ریزی دقیق باید برنامه ی جامعی را ارائه کند که پایداری و همه جانبه بودن توسعه را مدنظر قرار دهد. اصل -علیت متقابل- در این نوع برنامه ها فراموش شده و فقط از یک منظر، اقتصادی به آن نگریسته می شود. یکسونگری عاملی است که ساحت های پیچیده هزارتوی جامعه ی مدرن را حذف می کند و بدون تردید در همان ساحت مورد عنایت هم به موفقیت نخواهد رسید، چرا که از نیمه دوم قرن بیستم اصل اساسی -علیت متقابل- یعنی تاثیر زیربنای بر بنا و برعکس آن بسیار مهم است. برنامه سوم بانگرشی جامع تر ارایه شده و در آن توسعه فرآیندی چند بعدی

است که متضمن بهبود مستمر سطح زندگی جامعه و کیفیت آن است. اما همچنان حفره ها و شکاف هایی را برای آن هم می توان متصور شد.

تحولات بین المللی، فضای نوین اقتصادی جهانی، تحولات علمی و فناوری های نو و مشخصاً فناوری اطلاعات و نیازهای توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور، بانگهای به فرهنگ بالنده ی ایرانی - اسلامی و فقدان چشم انداز در تدوین برنامه های گذشته، دست به دست هم دادند تا برنامه چهارم توسعه و عنایت به کاستی های گذشته و با توجه به ضرورت ها و الزامات ناشی از آرمان های قانون اساسی نوشته شود. این برنامه چهار محور اساسی دارد:

الف: توسعه دانش پایه، عدالت محور و در تعامل با جهات.

ب: تامین امنیت ملی و بازدارنده ی همه جانبه.

ج: صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی ایرانی.

د: حاکمیت موثر و استقرار دولت شایسته.

با این چشم انداز گسترده، افق های تازه ای فراروی امروز و نسل آینده قرار می گیرد. می توان با امید و اطمینان و تکیه بر فرهنگ بومی در تعامل فرهنگ جهانی و تامین معاش و امید به معاد زیستی بهتر راقم زدا از سویی دیگر این امکان را فراهم می سازد که از اقتصاد تک محصولی نجات یابیم.

هرگز نباید یاد ببریم که بدلیل پیوندهای عمیق روابط بین المللی و جهان سرمایه داری با توسعه اقتصادی کشورها برنامه ریزی توسعه از روندی اجتماعی، اقتصادی به جریانی سیاسی بدل شده است. هوشیاری سیاسی در تعامل با جامعه جهانی را باید مدنظر داشت. برای رسیدن به جامعه 'مدرنیته' فراموشی 'سنت' ضعفی غیر قابل بخشش است؛ اما سارست درست نیز کاستی دیگری است. پس بانگ به بر سنت و چشم انداز گسترده جهانی باید در عصر حاضر در تعامل با دولت ها و حاکمیت ها و ملت های دیگر قرار گرفت. در این تعامل باید سه انگیزه یابینش را مورد توجه قرار داد:

الف: رضای کردن یا قانع کردن / Satisficing

ب: بهینه سازی / Optimizing

ج: سازگاری / Adaptivizing

و هیچ کدام را بر دیگری رجحان ندارد. تاکتیک و 'استراتژی' در این مسیر بسیار مهم است. باید صاحب 'متد' بود و با بینش سیاسی و تعامل با جهان بانگ به برخورد باوری و خود یافتگی پیش رفت. در این تعامل نباید 'خود باخت' باشیم و تسلیم ابر قدرت ها گردیم. برای اینکه 'هویت' خود را حفظ کنیم نیازمند دانش و آگاهی یک بال این پرواز است. برای رسیدن به افق های غیر منتظره و کشف تازه بال دیگری را نیازمندیم و آن کشف و شهود است. با این دو بال می توانیم جایگاه مناسبی در بین کشورهای توسعه یافته داشته باشیم.

اگر برنامه ریزی دقیق نداشته باشیم، داشته های اکنون مادر آتش می سوزد و حاصلی به بار نمی آورد. به همین دلیل است که ناچاریم به ارزیابی سنجش پیامدهای معین برنامه ریزی ارایه شده بپردازیم تا داده ها بتوانیم کاستی های آن را بر طرف نموده و هر چه بهتر به اهداف از پیش تعیین شده برسیم. وجه زیبا و ژرف فرموده حضرت امام صادق (ع) 'عمل کننده بدون بصیرت و آینده نگری، همچون رهروی است که بیراهه می رود و هر چه شتاب کند از هدف دور تر می شود'.

کشور ما در این حیطه عمری گزاف ندارد. مایش از دهه سابقه برنامه ریزی در کارنامه خود نداریم. با توجه به اینکه از ساحت کارشناسی و عملی شناخت نسبتاً جامعی از مفاهیم کارکردهای برنامه ریزی داریم، اما متأسفانه در نظام اجرایی، فهم و چارچوب عملکردی بهینه ای وجود ندارد. برنامه کارکردگرادر سیر تحول سازندگی زمانی مفید فایده خواهد بود که در چرخه عمل به درستی اجرا شود. نظارت و کنترل بر اجرای برنامه بسیار مهم است و مگر نه همه دست آورد آن را به تلاش می رساند. پرواضح است که نظام برنامه ریزی در ایران بسیار شکننده است. این نحیف بودن ناشی از کاستی هایی است که

در استخوان بندی نظام رسوخ کرده است و ناشی از عواملی چون وابستگی به اقتصاد جهانی، ژئوپلیتیک منطقه ای و اقتصاد سیاسی و در عین حال عوامل درون زایی مانند عوامل ساختاری، نماید و سیاسی است.

اصول و مبانی برنامه ریزی مجموعه ای است که تلاش می کند ابتدا اصول و مبانی برنامه ریزی را مشخص کند و سپس راههای بدون رفت از کاستی هارا تبیین نماید. از جهتی دیگر این مجموعه باتکیه برداش بر برنامه ریزی و نگاهی نقادانه بر برنامه های ارایه شده می کوشد تا به کتابی کارکردگرا تبدیل شود که بتوان از آن در راهبردهای جامعه بهره گرفت. برای نیل به این مقصود به ناچار هم به کاستی های حکومت پیشین در برنامه ریزی و هم نقادی برنامه ریزی جمهوری اسلامی که از دیدگاه های متفاوت و توسط صاحب نظران و علما ارایه شده پرداخته است. با عنایت به چشم اندازی که پیش روی ماست و نحیف بودن مادر این راه و برای هر چه فربه تر شدن در این گام باتکیه به منابع بسیار گسترده، جامعیتی را پیش روی خواننده می گذارد که بتواند به قضاوت نوینی دست یابد.

همه جانبه نگری، چشم انداز، کارکردگرایی، توجه به کمبود ها و دقت بر ارایه راه حل های مناسب با تکیه بر هویت، بینش، نگرش و قابلیت این سرزمین سر لوحه اینجانب در تدوین این مجموعه بوده است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول : تعاریف، مفاهیم و طبقه بندی برنامه	۲۵
تعاریف لغوی برنامه	۲۵
اصول برنامه	۲۷
اصول و ضوابط یک برنامه خوب	۲۷
امکان تنظیم برنامه و مفیدبودن آن	۲۸
آگاهی از اهداف برنامه	۲۸
واقعیت گرایی برنامه	۲۹
جامع بودن برنامه	۳۰
کارایی برنامه	۳۱
کنترل برنامه	۳۳
تقسیم برنامه	۳۴
تقسیم برنامه از نظر ماهیت موضوع	۳۴
تقسیم برنامه از لحاظ هدف	۳۴
تقسیم برنامه از لحاظ طول اجرای برنامه (برنامه ریزی از نظر زمانی)	۳۶
تقسیم برنامه از دیدگاه فلسفی	۳۹
عوامل محیطی موثر بر فرآیند تدوین برنامه	۵۳
فصل دوم : تعاریف، مفاهیم و طبقه بندی برنامه ریزی	۵۵
تعاریف برنامه ریزی	۵۵
نظریه ی برنامه ریزی	۶۰
نظریات مختلف در مورد برنامه ریزی	۶۱

۵۶	تئوری برنامه ریزی
۶۸	تئوری برنامه ریزی ارتباطی
۷۶	ویژگی های برنامه ریزی
۷۷	اصول برنامه ریزی
۷۸	اهداف برنامه ریزی
۷۸	اجزای فرآیند کامل برنامه ریزی
۹۶	ماهیت برنامه ریزی
۹۹	تعریف سازمان برنامه ریزی
۱۰۱	زمان برنامه ریزی
۱۰۱	تصمیم گیری و برنامه ریزی
۱۰۲	برنامه ریزی و کنترل
۱۰۲	مراحل سه گانه برنامه ریزی
۱۰۴	روند برنامه ریزی
۱۰۹	فرآیند سازی به جای برنامه ریزی
۱۱۱	گام های فرآیند برنامه ریزی
۱۱۳	طبقه بندی انواع برنامه ریزی
۱۱۳	برنامه ریزی از نظر جامعیت و بخش های مشمول آن
۱۱۳	مفهوم برنامه ریزی جامع
۱۱۷	برنامه ریزی غیر جامع
۱۱۸	انواع برنامه ریزی از نظر کارکرد
۱۱۸	برنامه ریزی کلان
۱۱۹	برنامه ریزی بخشی - میکرو
۱۲۳	برنامه ریزی میان بخشی

۱۲۳	برنامه ریزی پروژه ای
۱۲۳	تقسیم بندی برنامه ریزی در مقیاس تصمیم گیری
۱۲۳	برنامه ریزی راهبردی
۱۲۴	برنامه ریزی تاکتیکی
۱۲۴	تقسیم بندی برنامه ریزی از نظر سطوح
۱۲۴	برنامه ریزی استراتژیک
۱۳۰	خصوصیات برنامه ریزی استراتژیک
۱۳۱	ویژگی های یک برنامه ریزی استراتژیک موفق
۱۳۱	اهمیت و ضرورت برنامه ریزی استراتژیک
۱۳۲	فرآیند برنامه ریزی استراتژیک
۱۳۴	دلایل بکارگیری برنامه ریزی استراتژیک
۱۳۴	مزایا و محدودیت های برنامه ریزی استراتژیک
۱۳۵	مدیریت استراتژیک
۱۳۹	مراحل برنامه ریزی استراتژیک
۱۴۱	سبک های تعیین استراتژی های سازمان
۱۴۲	روش های اجرایی برنامه ریزی استراتژیک
۱۴۵	برنامه ریزی تاکتیکی
۱۴۵	برنامه ریزی عملیاتی
۱۴۸	هدف برنامه ریزی عملیاتی
۱۵۰	تفاوت های برنامه ریزی استراتژیک و برنامه ریزی تاکتیکی
۱۵۱	تقسیم بندی برنامه ریزی در ابعاد فضایی
۱۵۱	تعاریف فضا
۱۵۱	برنامه ریزی فضایی

۱۵۲	۱ برنامه ریزی ملی
۱۵۳	برنامه ریزی ناحیه ای
۱۵۴	تجارب سایر کشورها در برنامه ریزی ناحیه ای
۱۵۶	برنامه ریزی شهری
۱۵۷	برنامه ریزی روستایی
۱۵۷	تقسیم بندی برنامه ریزی از نظر هدف.
۱۵۷	برنامه ریزی توسعه
۱۵۹	شناسایی عوامل مؤثر در بهبود برنامه ریزی توسعه از دیدگاه کارشناسان
۱۵۹	ارکان برنامه ریزی توسعه
۱۶۱	چرخه ای اجرایی برنامه ریزی توسعه
۱۶۲	مروزی بر سابقه ای برنامه ریزی توسعه در ایران
۱۷۶	برنامه ریزی فیزیکی - کالبدی
۱۷۲	برنامه ریزی اختصاصی
۱۷۷	انواع دیگر برنامه ریزی
۱۷۷	مزایا و محدودیت های برنامه ریزی
۱۸۱	دلایل شکست، برنامه ریزی
۱۸۲	نظام برنامه ریزی
۱۹۵	سه سطح محیطی در نظام برنامه ریزی
۲۱۲	مدل برنامه ریزی
۲۱۲	ریاضیات برنامه ریزی
۲۱۳	برنامه ریزی و تنظیم برنامه اقتصاد کلان و خرد

۲۱۵	مهمترین ابزارها و تکنیک های برنامه ریزی
۲۱۶	تکنیک برنامه ریزی گانت
۲۱۹	برنامه ریزی و کنترل با تکنیک پرت
۲۲۱	تکنیک برنامه ریزی شبکه ای
۲۲۷	برنامه ریزی و کنترل با تکنیک cpm
۲۳۱	فصل سوم : مروری بر سابقه برنامه ریزی در ایران
۲۳۱	تاریخچه برنامه ریزی در دنیا
۲۳۵	تجربه کشورهای گوناگون در برنامه ریزی
۲۶۴	تاریخچه تهیه برنامه های توسعه در ایران
۲۷۳	برنامه ریزی و توسعه در دوره رضاشاه
۲۷۸	موانع تکوین فکر برنامه ریزی در دوره حکومت رضاشاه
۲۷۹	سمت گیری در زمینه برنامه ریزی در بحبویه جنگ جهانی دوم و اشغال ایران
۲۸۹	تقویم برنامه ریزی در ایران
۲۹۱	شرح تفصیلی برنامه های عمرانی قبل از انقلاب
۲۹۲	برنامه های عمرانی اول
۳۰۱	تاثیر عوامل بیرونی در شکل گیری برنامه عمرانی اول هفت ساله
۳۰۴	هدف های برنامه اول عمرانی کشور
۳۰۷	موانع و تنگناها در روند برنامه ریزی و تهیه برنامه اول هفت ساله
۳۰۸	عوامل شکست برنامه ی اول عمرانی کشور
۳۱۱	برنامه عمرانی دوم
۳۱۴	عمران ناحیه ای در برنامه ی دوم ۱۳۴۱-۱۳۳۴
۳۱۵	هدف های برنامه عمرانی دوم
۳۱۶	محتوا و عملکرد برنامه دوم عمرانی

۳۱۷	اوضاع اقتصادی کشور در دوران برنامه دوم
۳۲۱	ارزیابی عملکرد برنامه عمرانی هفت ساله دوم کشور
۳۲۲	جمع بندی کلی از برنامه عمرانی دوم
۳۲۴	برنامه عمرانی سوم
۳۲۶	هدف های برنامه عمرانی سوم کشور
۳۲۸	توزیع اعتبارات در برنامه عمرانی سوم کشور و بررسی بخشهای مختلف
۳۳۷	ارزیابی عملکرد برنامه عمرانی سوم کشور
۳۴۰	نتیجه گیری کلی از برنامه عمرانی سوم کشور
۳۴۳	مسایل ساختاری در برنامه سوم
۳۴۳	برنامه چهارم
۳۴۶	هدف های عمرانی برنامه چهارم کشور
۳۴۸	اهداف کلی برنامه چهارم
۳۵۴	ارزیابی عملکرد بخش هاطی سال های برنامه چهارم
۳۷۰	برنامه پنجم
۳۷۳	هدف های برنامه عمرانی پنجم کشور
۳۷۴	هدفهای کلی برنامه عمرانی پنجم به تفکیک فصول برنامه
۳۷۶	برنامه ی عمرانی پنجم از دیدگاه برنامه ریزی منطقه ای و ارزیابی عملکرد آن
۳۸۲	اشتغال در برنامه ی پنجم
۳۸۳	عملکرد اقتصادی برنامه پنجم
۳۸۴	برنامه عمرانی ششم
۳۸۶	ویژگی مشترک برنامه های عمرانی قبل از انقلاب
۳۸۷	اشرح تفصیلی برنامه های بعد از انقلاب
۳۹۲	شرایط اقتصادی کشور در آستانه ی برنامه ی اول

۳۹۴	برنامه‌ی شرایط بحران در سال ۱۳۶۶
۳۹۴	برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۳۹۷	برنامه اول و مسائل اساسی اقتصاد و توسعه ایران
۴۰۳	برنامه اول و نظام بین‌المللی
۴۰۵	برنامه اول و روندهای آتی
۴۰۸	برنامه اول و تجارب تاریخی کشور در امر برنامه ریزی
۴۱۳	عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۴۲۰	برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۴۲۳	عمده‌ترین اهداف کلان برنامه دوم
۴۲۷	نگاهی کوتاه به برنامه سوم توسعه
۴۳۴	تحولات متغیرهای عمده اقتصاد کلان کشور در برنامه سوم توسعه
۴۴۲	برنامه چهارم و چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله
۴۴۷	سازمان کار و تشکیلات نظام برنامه ریزی برنامه چهارم توسعه
۴۴۸	ارکان و سطوح (ساختار) برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی کشور
۴۴۹	ارزیابی، نگرش و ساخت برنامه‌های پس از انقلاب
۴۸۲	نظام برنامه ریزی برنامه‌های ایران
۴۹۰	نظام برنامه ریزی و ارزیابی آن
۴۹۲	مهمترین کاستی‌ها و ناهماهنگی‌های قانونی در خصوص برنامه ریزی ایران
۴۹۳	ارزیابی، نظارت و اصلاح برنامه‌ها
۵۰۲	انواع برنامه ریزی در ایران
۵۰۳	نقدی بر روش برنامه ریزی در ایران
۵۰۹	چالش‌های نظام برنامه ریزی در استفاده کارآمد از کارشناسان در فرآیند برنامه ریزی
۵۲۱	موانع موثر در ارزیابی برنامه‌های توسعه در ایران

۵۲۲	پیشنهادهای اصلاحی برای نظام برنامه ریزی توسعه در ایران
۵۲۵	فصل چهارم : مفاهیم و ابعاد توسعه و سابقه آن در ایران
۵۳۳	معیارها و شاخص های توسعه
۵۳۴	همگرایی دراندیشه های توسعه
۵۴۰	آینده نگری رشد و توسعه
۵۴۲	بخش های مختلف آینده نگری
۵۴۵	تجزیه و تحلیل مداوم وضع گذشته، موجود، قابلیت ها، امکانات و منابع
۵۴۷	لوازم توسعه
۵۴۸	نهادهای توسعه
۵۴۹	مکاتب مختلف توسعه
۵۵۴	مروری بر تجارب گذشته
۵۵۷	نقد برنامه ها با راهبرد های غالب توسعه بعد از جنگ جهانی دوم
۵۵۸	رشد و توسعه اقتصادی
۵۵۹	فرآیند توسعه اقتصادی
۵۶۱	شاخص های توسعه ای اقتصادی
۵۶۲	نظریه های مختلف توسعه اقتصادی
۵۶۸	استراتژی های مختلف توسعه اقتصادی
۵۷۲	تاریخچه اندازه گیری توسعه - تغییر و تحول از رشد تا شاخص اجتماعی
۵۷۵	معیارها و شاخص های توسعه یافتگی - انتخاب شاخص های توسعه یافتگی
۵۸۰	ادبیات برنامه ریزی توسعه و عیوب اساسی در فرآیندها و نهادهای توسعه
۵۸۲	اندیشه توسعه و برنامه ریزی در ایران
۵۹۰	اهمیت پرداختن به توسعه و بررسی آن در برنامه قبل از انقلاب اسلامی
۵۹۶	تلقی مسلط از توسعه در برنامه های اول و دوم توسعه بعد از انقلاب

۵۹۷	ایران به کدام نوع توسعه نیازمند است
۶۰۶	نقش دولت در برنامه ریزی
۶۰۹	دلایل توسعه نیافتگی در کشور
۶۲۴	پارادایم هاو دیدگاههای نظری برنامه هاو نوع نگرش آنها به توسعه
۶۲۸	بررسی مبانی نظری برنامه های عمرانی و نوع نگرش آنها به توسعه
۶۲۸	برنامه های اول و دوم عمرانی
۶۳۱	برنامه سوم عمرانی
۶۳۳	برنامه چهارم عمرانی
۶۳۸	برنامه پنجم عمرانی
۶۴۳	فصل پنجم : آمایش سرزمین
۶۴۳	آمایش سرزمین
۶۴۸	چگونگی پیدایش آمایش سرزمین در ایران
۶۵۷	تعریف نظریه پایه توسعه ملی و جایگاه آن در آمایش سرزمین
۶۶۰	مزیت های نسبی کشور از دیدگاه آمایشی
۶۶۱	تنگناها و محدودیت های توسعه کشور
۶۶۲	تحلیل سازمان فضایی کشور
۶۶۴	امکانات، قابلیت ها، مزیت ها و تنگناهای توسعه در سرزمین
۶۶۴	وضع موجود سازمان فضایی
۶۶۵	سیاست کلان آمایش سرزمین در نظریه پایه توسعه ملی
۶۶۶	جهت گیری های کلان آمایش سرزمین با توجه به تحلیل سازمان فضایی
۶۶۷	واصول آمایش سرزمین
۶۶۷	استراتژی توسعه ملی و طراحی آمایش سرزمین
۶۶۹	استراتژی توسعه صنعتی
۶۷۱	تجارب کشورهای گوناگون در آمایش سرزمین

۶۷۱	تجربه آمایش سرزمین در فرانسه
۶۸۴	تجربه آمایش سرزمین در کره جنوبی
۶۹۷	جایگاه آمایش در نظام برنامه ریزی کشور
۶۹۹	جایگاه نظام برنامه ریزی منطقه ای در روند برنامه ریزی
۷۰۷	آینده نگری فضایی و ابعاد سه گانه آمایش سرزمین
۷۱۳	فصل ششم : تحلیل سیاست توسعه و روش های برنامه ریزی کمی
۷۱۳	تحلیل سیاست توسعه و روش های برنامه ریزی کمی
۷۱۶	ویژگی های مدل های برنامه ریزی توسعه
۷۲۲	مدل های تجمعی سازگار کلی
۷۲۲	مدل رشد هارود - دومار
۷۲۷	مدل های دووقفه ای (دوشکافه)
۷۳۰	مدل های سازگار غیر کلی - غیر تجمعی
۷۳۵	مدل های چندبخشی
۷۳۶	تحلیل داده ، ستانده
۷۳۶	مدودیت های مدل های برنامه ریزی چندبخشی
۷۳۷	رویکرد برنامه نویسی به برنامه ریزی
۷۳۹	مفهوم برنامه ریزی ریاضی
۷۴۰	برنامه ریزی خطی
۷۴۴	برنامه ریزی خطی و انتخاب روش (تکنیک)
۷۴۶	روش سیمپلکس و تحلیل حساسیت
۷۵۷	منابع